

۲۰۲۱۳۵

# داستانهای شاهنامه به نثر

(جلد ۱)

www.ketab.ir

انتشارات  
آتیس



## فهرست

|          |                                        |
|----------|----------------------------------------|
| ۴.....   | پیشگفتار                               |
| ۹.....   | ستایش خرد                              |
| ۹.....   | کیومرث                                 |
| ۱۴.....  | هوشنگ                                  |
| ۱۷.....  | طهمرت                                  |
| ۲۰.....  | جمشید                                  |
| ۳۰.....  | ضحاک                                   |
| ۳۷.....  | فریدون                                 |
| ۵۵.....  | پادشاهی منوچهر                         |
| ۸۷.....  | پادشاهی نوذر                           |
| ۹۹.....  | پادشاهی زوطهماسب                       |
| ۱۰۰..... | پادشاهی گرشاسپ                         |
| ۱۰۴..... | پادشاهی کی قباد                        |
| ۱۰۹..... | پادشاهی کی کاووس و رفتن او به مازندران |
| ۱۱۸..... | هفت خوان رستم                          |
| ۱۱۸..... | خوان اول: جنگ رخس با شیر               |
| ۱۱۹..... | خوان دوم: پیدا کردن چشمه آب            |
| ۱۲۰..... | خوان سوم: جنگ با اژدها                 |
| ۱۲۳..... | خوان چهارم: کشتن زن جادوگر             |
| ۱۲۴..... | خوان پنجم: مبارزه با اولاد             |
| ۱۲۸..... | خوان ششم: جنگ رستم با ارژنگ دیو        |
| ۱۳۰..... | خوان هفتم: جنگ با دیو سفید             |
| ۱۳۸..... | رزم کاووس با شاه هاماوران              |
| ۱۴۳..... | کاووس و قیصر روم                       |
| ۱۴۶..... | به آسمان رفتن کاووس                    |
| ۱۴۸..... | جنگ هفت گردان                          |
| ۱۵۲..... | رستم و سهراب                           |

## پیشگفتار

حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی (از حدود ۳۱۹ تا حدود ۳۹۷ هجری شمسی)، شاعر حماسه‌سرای ایرانی و سراینده شاهنامه فردوسی که مشهورترین اثر حماسی فارسی می‌باشد و طولانی‌ترین اثر منظوم به زبان فارسی تا زمان خود بوده است. نگارش شاهنامه در حدود سی سال به طول انجامید.

فردوسی در شاهنامه از دودمان‌های پادشاهی پیشدادیان، کیانیان، اشکانیان و ساسانیان نام برده است. آثار دیگری نیز به فردوسی نسبت داده شده است که اکثر صاحب‌نظران آنها را مردود دانسته‌اند که معروف‌ترین آن‌ها مثنوی یوسف و زلیخا، سرشاه‌نامه و هجوتنامه‌ای علیه سلطان محمود می‌باشد.

آثار فردوسی نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از کشورهای دیگر مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته و حتی در دانشگاه‌های معروف دنیا از جمله دانشگاه کمبریج انگلستان مورد مطالعه قرار گرفته است به تازگی جدیدترین تحقیقات درباره شاهنامه در مرکز مطالعات خاورمیانه اسلامی این دانشگاه منتشر شده است.

استاد ابوالقاسم فردوسی شاعر بزرگ حماسه‌سرای ایران، یکی از شاعران مشهور عالم و از ستارگان درخشانده‌ی آسمان ادب فارسی و از مفاخر نامدار ملت ایران است.

نام او و پدرش در البنداری (حدود سال ۶۲۰ هجری) به نام شاهنامه از فارسی به عربی می‌باشد، منصور بن حسن آمده است. نام و لقب فارسی او در قدیمی‌ترین کتاب‌های معتبر یعنی تاریخ سیستان و چهارمقاله‌ی نظامی عروضی ابوالقاسم فردوسی نگاشته شده است و در این موضوع تردیدی نیست. محل تولد او را نظامی عروضی، قریه‌ی باژ از ناحیه‌ی طابریان طوس و دولت شاه سمرقندی قریه‌ی «رزان» طوس ذکر کرده است. البته نظر عروض را به سبب قدمت بیشتر باید مورد قبول و اعتماد قرارداد.

سال ولادت استاد معلوم نیست و اگر بخواهیم از روی تاریخ ختم شاهنامه و

مقایسه آن با سن فردوسی مطلب را معلوم کنیم دچار اشکالات عجیب خواهیم شد. مثلاً فردوسی از پنجاه و هشت سالگی تا هفتاد و شش سالگی خود را در شاهنامه نشان داده است. در نسخ معمول شاهنامه تا هفتاد و یک سالگی شاعر را می‌یابیم و آن در پایان شاهنامه است، آنجا که از خاتمه‌ی کار یزدگرد سخن گفته است:

چو سن اندر آمد به هفتاد و یک      همی زیر شعر اندر آمد فلک....

و سه نسخه‌ی که در آن‌ها از ۷۶ سالگی شاعر سخن رفته دو نسخه‌ی خطی شاهنامه یک نسخه‌ی کتابخانه‌ی لیدن از کشور هلند و دیگر نسخه‌ی خطی متعلق به کتابخانه‌ی ازبورگ از کشور آلمان است که در آن‌ها این ابیات یافت می‌شود:

کنون سالم آمدن هفتاد و شش      غنوده همی چشم بیمارفش

و شاید نزدیک شدن عمرش به هفتاد هم اشاره به همین سال باشد:

کنون عمر نزدیک هشتاد      امیدم به یکبار بر باد شد

خاندان فردوسی صاحب مکنث و ضیاع و عقر بودند. این مطلب از اشارات مختلف تاریخی و اقوال گوینده در موارد متعددی مدلل و ثابت می‌گردد. نظامی عروضی گوید که فردوسی در دیه باز «شوکتی هم داشت» به دخل آن ضیاع از امثال خود بی‌نیاز بود. و فردوسی خود هم به رفاه حس و معشای عیش خود در جوانی اشاره کرده و گفته است:

الا ای برآورده چرخ بلند      چه داری به پیری مرا و حسد

چو بودم جوان برترم داشتی      به پیری مرا خوار بگذاشتی

بجای عنانم عصا داد سال      پراکنده شد مال و برگشت حال

اما چنانکه از همین ابیات و ابیات متعدد دیگر شاهنامه به خوبی برمی‌آید استاد شاعر به خاطر نظم شاهنامه و گذراندن عمر در این راه ثروت خود را از دست داد و در پیری تهیدست و فقیر شد.

از چندوچون تحصیلات و آگاهی او از علوم روز گارش اطلاع دقیقی در دست

نیست. اما از خلال شاهنامه به نیکی دانسته می‌شود که وی بر ادب عرب و فلسفه و کلام عصر خویش تسلط داشته است.

شاید به حدس و تقرب بتوان گفت که وی، مستقیم یا غیرمستقیم، از بلاغت یونانی آگاهی‌هایی داشته است و این نکته از قیاس شاهنامه با متون مشابه آن از نظر فن صحنه‌آرایی به‌خوبی درک می‌شود؛ گرچه مجموعه‌ی این آگاهی‌ها ممکن است نتیجه‌ی شناخت ذوقی و قریحه‌ی تابناک فردوسی نیز باشد.

فردوسی، چنانچه از خلال شاهنامه و قراین خارجی دانسته می‌شود، سراسر عمر در دژ خویش، عوس اقامت داشته و جز یکی دو بار به سفر نرفته است. سفرهایی شاهنامه در تذکرها بدو نسبت داده‌اند که پذیرفتن آن‌ها دشوار است، اما احترام این به پس از ختم شاهنامه خود آن را به غزنین نزد سلطان محمود برده باشد، اگرچه مسلم نیست، دلیل قطعی نیز در رد آن نداریم. به هر حال، در شاهنامه هیچ اشاره‌ای به سفر غزنین او نشده است. فردوسی از تاریخ نیاکان خود و تاریخ‌ها و افسانه‌ها و تاریخ ایران اطلاع یا به دانستن آن‌ها شوق و علاقه داشته است، و تربیت خانوادگی او، وی را به این کار تشویق می‌کرد و به همین سبب است که به این کار نظم دست زد و چنانکه خواهیم دید تا موقعی که گرفتار فقر و تهیدستی نشد یعنی مال و ثروت اجدادی را بر سر کار شاهنامه نگذاشت، به دربار شاهان و جوایز ایشان توجهی نمی‌کرد.

فردوسی در سرودن شاهنامه، گذشته از روح وطن‌خواهی و احساسات میهنی، کمابیش مشوقاتی داشته است. او خود از چند فرد نامی یاد کرده است که ایشان به نحوی در تشویق او کوشیده‌اند.

یکی از آنان که بیش از همه مورد ستایش اوست، کسی است از اشراف و فرمانروایان آن عهد که فردوسی صفاتش را بر می‌شمارد، اما به صراحت نام او را نمی‌گوید.

شاهکار فردوسی شاهنامه است که راجع به تاریخ قدیم ایران از آغاز تمدن

ایرانی تا انقراض حکومت آن به دست اعراب است. این دوره ممتد تاریخی به پنجاه پادشاهی تقسیم می‌شود که از حیث طول زمان و وقایع با یکدیگر متفاوتند. (در شاهنامه سه دوره متفاوت می‌توان تشخیص داد: اول، دوره اساطیری، دوم، دوره پهلوانی، سوم، دوره تاریخی). دوره‌ی اساطیری از عهد کیومرث تا ظهور فریدون دوره‌ی پهلوانی از قیام کاوه تا قتل رستم، دوره‌ی تاریخی از اواخر عهد کیان به بعد.

ولی این قسمت نیز آمیختگی تمام با افسانه و داستان‌های حماسی دارد و شاهنامه فردوسی بر اثر نفوذ شدیدی که در میان طبقات مختلف ایرانیان یافت، در تمام ادوار تاریخ به ارزش پنجم مورد توجه بود و توجه عموم طبقات و اهمیت مقام ادبی آن باعث شد که بسیاری از شاعران به استقبال و ساختن منظومه‌ای نظیر آن همت گمارند. همین سبب از اواخر قرن پنجم تا چند قرن گروه بزرگی از شاعران منظومه‌های حماسی به تقلید از آن پدید آوردند.

ولی هیچ یک نتوانسته‌اند چون فردوسی از عهده این کار شگرف برآیند. شاهنامه به زبانهای زنده دنیا مانند انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، روسی، سوئدی، ایتالیائی، اسپانیائی و دانمارکی و.... ترجمه شده است.

با توجه به اینکه سلطان محمود در سال ۳۸۹ به پادشاهی بنده مسته است به خوبی روشن می‌گردد که فردوسی تقریباً ۱۸ سال پیش از سلطنت محمود نظم شاهنامه را آغاز کرده و انگیزه‌ای جز زر و سیم وی داشته است.

پس نتیجه می‌گیریم که فردوسی نظم شاهنامه را به خاطر یک هدف مقدس یعنی زنده کردن زبان و داستانهای ملی ایران و حفظ و استقلال کشور آغاز کرده و به پایان رسانیده است.

بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی

پی‌افکندم از نظم، کاخی بلند که از باد و باران نیاید گزند

شاهنامه پر مایه‌ترین دفتر شعر فارسی و مهمترین سند عظمت و فصاحت

این زبان است و داستانهای ملی و تاریخی قوم ایرانی در آن به بهترین وجه سروده شده است. شیوه بیان آن ساده و روشن است؛ از استعمال لغات عربی ابایی ندارد، اما در این کار افراط و تفریطی نیست و در غالب موارد سخن را کوتاه می گوید و از پیرایه سازی و عبارت پردازی اجتناب می کند.

مآخذ عمده شاهنامه فردوسی ظاهراً شاهنامه ی نثر، ابومنصوری بوده است که قسمی از دهمه آن هنوز باقی است ولی به سبب استقبال فوق العاده ی شاهنامه ی خطی فردوسی توسط مردم، از بین رفته است.

داستان های ایرانی در این کتاب بوده است فردوسی با نهایت دقت به نظم در آورده و سبک شسته است چیزی از اصل آنها نکاهد. این داستانها شامل شرح جنگهای ایرانیان با اقوام نواحی بوده است، که رستم قهرمان آنهاست.

گذشته از این داستانها، ما در باب تاریخ ساسانیان در شاهنامه آمده است که چیزی بین تاریخ افسانه ای است. شاهنامه ابومنصوری، که مآخذ اصلی شاهنامه فردوسی است، به امر ابی ترکی، خوسر، والی طوس و سپهسالار خراسان، به دستگیری چند تن از زردشتیهای خراسان و سیستان تحت نظارت ابومنصور معموری تدوین شده است (۵۳۴۶ ه. ق)، خراسان در مجموعه ای از روایات خدای نامه و کتب دیگر، مثل ایاتکار زیریران (یار دار بن)، کارنامه اردشیر بابکان و داستان بهرام چوبین مبتنی بوده است. به هر حال، عمده ی مآخذ آن که در شاهنامه ی فردوسی نیز منعکس شده است، متعلق به ارتباطات مربوط به اواخر عهد ساسانی بوده است.

آنچه در این جا ذکر شد به جهت آشنایی با این شاعر گرانقدر ایرانی بود اما این را باید دانست که برای فهم بهتر هر مساله می باید آن را ساده کرد، به این معنی که لغات و واژگان سخت و دشوار به زبان ساده و قابل فهم تبدیل شود تا خواننده از خواندن آن دچار خستگی نشود. به این منظور در این کتاب سعی بر این شده است که شاهنامه را به زبان ساده و نثر روان به شما عزیزان تقدیم کنیم.